حاشیه‌نگاری خبرنگار «فرهیختگان» از مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری چهاردهم

روز مسعود

ادامه از صفحه ۱

حالا این نسخه برابر اصل حسینیه جماران، در مراسم تنفیذ هم شبیه حسینیه‌هاست. به در انتهایی حسینیه که می‌رسم، قاب عکس شهید سیدابراهیم رئیسی کنار صندلی رئیس‌جمهور خودنمایی می‌کند. روی سن هشت صندلی چیده شده است. یک صندلی در وسط که محل جلوس رهبر انقلاب است؛ چهار صندلی در دست راست صندلی ایشان و سه صندلی در دست چپ. سریع وارد می‌شوم و یک جا نزدیک به جایگاه اصلی پیدا می‌کنم تا بتوانم رهبر را از نزدیک‌تر ببینم. اصلا اصلی‌ترین انگیزه من، همین دیدن رهبری است؛ «دیده از دیدار خوبان برگرفتن مشکل است/ هر که ما را این نصیحت می‌کند بی‌حاصل است.» یک جا که مستقر می‌شوم، شروع به حساب و کتاب می‌کنم. آن سه صندلی دست چپ مخصوص روسای قواست و از چهار صندلی دست راست، صاحب سه نفرشان معلومند؛ سرپرست ریاست جمهوری، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیر شورای نگهبان. اما چهارمین صندلی به چه کسی تعلق دارد؟ این را نه من می‌دانم و نه نمایندگانی که حالا دورم را گرفته‌اند.

طبق قانون، پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان، اعتبارنامه ریاست جمهوری توسط اعضای شورای نگهبان صادر می‌شود، اعضا آن اعتبارنامه را امضا و خدمت رهبر انقلاب ارسال می‌کنند. بعد از صدور اعتبارنامه است که مراسم تنفیذ ریاست جمهوری برگزار می‌شود. اعتبارنامه به معنای سند صحت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری برای رئیس جمهور منتخب است. در آن سند نام رئیس جمهور منتخب و تعداد آرای وی و مجموع آرا ذکر می‌شود. برابر قانون، دوره ریاست جمهوری از روز تنفیذ به مدت چهار سال آغاز می‌شود. براساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، «امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم»، از جمله «وظایف و اختیارات رهبری است.» در مراسم تنفیذ امسال دیگر محدودیت‌های کرونایی وجود ندارد که صندلی‌ها با فاصله از هم چیده شوند و مدعوین کمی در مراسم حضور داشته باشند. امسال بخش انتهایی سالن صندلی چیده شده است. در بال سمت چپ که مختص زنان است هم صندلی چیده شده است. در بال راست هم سه ردیف صندلی تعبیه شده است که برای میهمانان مسن‌تر است. من اما در بال میانی روی همان زیلوهای آبی رنگ می‌نشینم. دقایق ابتدایی سری می‌چرخانم در حسینیه، اولین جا، سردر حسینیه بالای سر محل سخنرانی رهبری است که معمولا با توجه به دیدار، حدیث یا آیه‌ای آنجا نصب می‌کنند. این عادت خبرنگارانی است که برای حاشیه‌نویسی راهی حسینیه می‌شوند. در مراسم تنفیذ حسن روحانی در سال ۱۳۹۶، محمد دلاوری در حاشیه‌نویسی‌اش اشاره کرده که حواسش به نوشته بالای حسینیه بوده است. در آن روز، حدیثی از امام علی(ع) با خط نستعلیق بر سر در حسینیه نصب شده بود: «ان حوائج الناس الیکم نعمه من الله علیکم فاغتنموا» (نیازهای مردم به شما برایتان نعمت است؛ آن را غنیمت شمارید). سال ۱۴۰۰ این محل به پرچم زیبای ایران مزین شد. شاید دلیل این انتخاب معنادار، تلاش بی‌وقفه دشمنان برای تحریم انتخابات از سوی مردم ایران بود. امسال هم تقریبا همان اتفاق افتاد و کلمه «الله» لاله‌گونی که میانه پرچم ایران نقش بسته، زینت‌بخش سردر حسینیه شده و در ذیل آن، عبارت «جمهوری اسلامی ایران» نیز درج شده است. به مناسبت ماه محرم، دور تا دور حسینیه پرچم نوشته‌های سیاه‌رنگ نصب شده. دور ستون‌ها هم پرچم سه‌رنگ ایران نصب شده است.

تیم برگزاری مراسم، سخت مشغول هماهنگی‌های لازم هستند. از همه چیز مهم‌تر برای آنها، مدیریت افراد است. حداقل یک نفر مخصوص این کار است که تلاش می‌کند صف‌ها را منظم کند.

جوانان لایی کشیدند

نشستن تا شروع مراسم، فایده‌ای ندارد ولی بلند شدن هم به معنی از دست رفتن آن نقطه استراتژیک و نزدیک جایگاه است. باید حداقل یک ساعت و نیم همین‌طور منتظر بمانم ولی نمی‌توانم. بلند می‌شوم و گشتی در حسینیه می‌زنم. یک نفر در انتهای سالن و جلوی صندلی‌ها ایستاده است و اجازه می‌دهد برخی میهمانان روی این صندلی‌ها بنشینند. از او درباره اینکه این صندلی‌ها متعلق به چه کسانی است، سوال می‌پرسم. می‌گوید: «برای سفراست؛ ولی افراد مسن هم می‌توانند روی صندلی بنشینند.» سرش را به سمت صندلی‌ها می‌گرداند که مسئولان مسن را نشانم دهد ولی لابه‌لای این مسئولان مسن، جوان‌هایی هم هستند. بدون اینکه چیزی بگویم، خودش توضیح می‌دهد: «ولی یکی دوتایی هم این وسط لایی کشیدن. این هم به خاطر افرادیه که کنارشون نشسته‌اند.» از نقطه‌ای که اولین نفر نشسته است، تا جایگاه چند ردیف را خالی گذاشته‌اند برای وزرا و برخی مقامات رده بالای دیگر.

از چهار طرف، دور تا دورم نمایندگان مجلس نشسته‌اند. نماینده‌ای که سمت راستم نشسته است، پرسخن‌تر از دیگران است. دارد با همکارانش درباره اینکه روی آن چهار صندلی سمت راست چه کسانی می‌نشینند، گمانه‌زنی می‌کند.

کمتر از نیم ساعت به آغاز مراسم، رفته‌رفته ردیف‌های جلو پر می‌شوند. این یعنی وزرا و مقامات سطح بالا خودشان را به مراسم رسانده‌اند. فیلمبردارها مشغول کار با دوربین‌هایشان هستند. در بین تصویربرداران، دو خانم جوان حضور دارند.

ساعت ۹:۴۵ عراقچی و طیب‌نیا با یکدیگر وارد حسینیه می‌شوند. آن نماینده کنار دستی‌ام، در حال توزیع سمت‌هاست: «وزیر خارجه و معاون اول اومدن.» با انتصاب محمدرضا عارف به معاون اولی بلافاصله پس از تنفیذ، حداقل یکی را اشتباه گفته است. تا نفر دوم هم باید کمی صبر داشت.

تیم تشریفات، محل نشستن هر فرد را مشخص می‌کنند. کمتر از یک ربع پس از ساعت تعیین شده، احمد جنتی به جایگاه می‌آید. کمی پس از او، محمد مخبر به روی سن می‌رود. از در سمت چپ سالن هم پزشکیان، قالیباف، آملی لاریجانی، اژه‌ای و موحدی کرمانی به سمت جایگاه می‌روند. آن صندلی چهارم، متعلق به موحدی کرمانی است. پزشکیان با کت و شلوار در مراسم حاضر شده است. اگر اشتباه نکنم این دومین بار از زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری است که او راضی شده و کاپشنش را کنار گذاشته است. با استقرار در صندلی، مخبر و پزشکیان با هم خوش‌وبش می‌کنند. قالیباف و اژه‌ای نیز با یکدیگر صحبت می‌کنند.

رئیس جمهور برگه‌هایی همراه دارد که به طور حتم نطقش پس از تنفیذ است. او دفعه قبل، پس از اعلام نتایج و در حرم امام خمینی(ره) از روی متن خواند اما احتمالا به دلیل همهمه جمع، نطق را نیمه‌کاره رها کرد و گفت آن را به رسانه‌ها می‌دهد. این بار احتمالا به طور کامل نطقش را بخواند. رئیس جمهور، انگشت اشاره‌اش را کنار شقیقه‌اش می‌گذارد و به جمعیت خیره می‌شود. خیلی دوست دارم بتوانم آنچه را در این لحظات در سرش می‌گذرد، بخوانم. کمی بعد، پرده‌های آبی حسینیه امام خمینی(ره) کنار می‌روند. با بلند شدن صدای صلوات و از جابرخاستن میهمانان، متوجه حضور رهبر انقلاب می‌شوم. رهبری وارد جایگاه شدند و پس از احوالپرسی کوتاه با هفت نفر حاضر در جایگاه، روی صندلی نشستند. با پخش سرود ملی، رهبر و همه حضار از جای خود برخاستند. پس از سرود ملی و قرائت قرآن، مطابق رویه معمول، وزیر کشور به عنوان مسئول برگزاری انتخابات پشت تریبون قرار گرفت و گزارشی از نحوه برگزاری انتخابات داد. احمد وحیدی از اختصاص ۵۲۰ میلیون پیامک برای هر نامزد انتخابات سخن گفت و اشاره‌ای نیز به تبلیغات تلویزیونی داشت: «برای هر نامزد ۳۵ ساعت برنامه تلویزیونی در نظر گرفته شد.» او از ۵۸ هزار و ۶۴۰ شعبه اخذ رای در سراسر کشور با حضور ۶۰۰ هزار نفر عوامل اجرایی در داخل کشور و ۳۳۶ شعبه در ۹۸ کشور خارجی هم گفت و افزود: «در این انتخابات کمترین پرونده قضایی تشکیل شد.»

اشاره به برجستگی ایران

پس از گزارش وزیر کشور، محمدی گلپایگانی برای قرائت حکم تنفیذ پشت تریبون قرار گرفت. بخشی از حکم رهبر انقلاب، بی‌شباهت به سخنرانی حضرت امام خمینی(ره) در نهم شهریور سال ۱۳۶۰ یعنی یک روز پس از ترور شهیدان رجایی و باهنر رئیس جمهور و نخست‌وزیر ایران نیست. امام در سخنرانی خود پس از مشکل دانستن شهادت این دو عزیز به نکته مهمی اشاره داشتند و آن پایداری نظام است: «در زمان‌های سابق وضع این‌طور بود که اگر یک سلطانی کشته می‌شد یا می‌مرد، کشور به هم می‌خورد... لکن جمهوری اسلامی ما وضعی دارد که خود ملت یک فردی را می‌آورند و خود ملت یک فردی را کنار می‌گذارند و خود ملت [اگر] فردی شهید شد، به جای او بازیکی را انتخاب می‌کنند و خود را از دولت می‌دانند و دولت را از خود می‌دانند. از این جهت، ولو اینکه رئیس جمهور شهید بشود، نخست‌وزیر شهید بشود و هر مقامی شهید بشود ملت ما هیچ خم به ابرو نمی‌آورند و کسان دیگر را به جای آنها انتخاب می‌کنند.»

در حکم تنفیذ رهبر انقلاب نیز به این موضوع اشاره شده است. ایشان برگزاری چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری، آن هم پس از دوره ناتمام مانده رئیس جمهور فقید شهید را «یکی از افتخارات ملت ایران و نشانه استقرار نظام پایدار اسلامی، و حاکی از عقلانیت و متانت فضای سیاسی کشور» خواند و با اشاره به «برخی پدیده‌های ناپسند در برخی از آزمون‌های مشابه در برخی از مناطق جهان» این وضعیت را «نشان‌دهنده برجستگی ایران و ایرانی» دانستند. در این حکم، رهبر انقلاب، رئیس جمهور را «شخصیت فرزانه، صادق، مردمی و دانشمند» خواندند و با تنفیذ پزشکیان، وی را به ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب کردند. پس از قرائت حکم، محمد مخبر حکم تنفیذ را تقدیم رهبری کردند تا آن را به پزشکیان اعطا کنند. طبق رویه مراسم تنفیذ، پس از اعطای حکم، رئیس جمهور منتخب، سخنرانی کوتاهی خواهد داشت. در تنفیذ دوره قبل، سیدابراهیم رئیسی پس از کسب اجازه از رهبر انقلاب پشت تریبون قرار گرفت و بدون اینکه متنی به همراه داشته باشد ضمن تشکر از همه خدمتگزاران انقلاب در ۴۰ سال گذشته، پیام انتخابات را «تغییر وضع موجود» خواند و به تورم بیش از ۴۴ درصد، رشد نقدینگی ۶۸۰ درصدی و سه برابر شدن بدهی‌های دولت از سال ۹۴ و کسری بودجه ۴۵۰ هزار میلیاردی اشاره کرد. او در پایان سخنانش خطاب به خداوند گفت: «اگر نبود خدمت به مردم و اگر نبود برای ایجاد گشایش و اگر نبود در یک کلمه اجرای عدالت، حضور در این عرصه برای بنده معنا نداشت.» پزشکیان هم در ابتدای سخنانش، خود را «خاک پای ملت ایران» خواند و گفت که ملت ایران با رای خود به تغییر بار سنگینی را روی دوش «بنده کوچک خدا» گذاشته‌اند. او خطاب به کسانی که به او یا رقبای او رای داده‌اند و حتی کسانی که «از سر دغدغه‌مندی و نقد و اعتراض وارد عرصه انتخاب نشدند» و انتظار تحول را پیش روی نظام، او و دولت آینده گذاشتند گفت که «زمان پاسخگویی به آن از امروز عملا آغاز می‌شود.» او به چشم‌انداز ایران به عنوان کشوری توسعه‌یافته، متکی بر عدالت اجتماعی و دارای تعامل سازنده با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت اشاره کرد و گفت که «تنها با همگرایی در منظومه حکومت می‌توانیم از تنگناهای پیش‌رو عبور کنیم.» بین صحبت‌های رئیس جمهور، روی دو کنده زانو می‌نشینم تا بتوانم رهبر انقلاب را بهتر ببینم. این سومین باری است که برای حاشیه‌نویسی به حسینیه امام خمینی(ره) می‌روم اما تا به حال نتوانسته‌ام به این نزدیکی ایشان را ببینم.

پزشکیان در بخش‌هایی از سخنانش، متن پیش روی خود را کنار می‌گذاشت و به توضیح نکاتی به‌ویژه اشاره به آیات قرآن یا کلام امیرالمومنین(ع) می‌پرداخت و سپس مجددا به متن بازمی‌گشت و ادامه آن را قرائت می‌کرد. در لابه‌لای سخنان رئیس جمهور، نمایندگان مجلس که به احسنت گفتن در صحن عادت کرده‌اند، یک احسنت دسته جمعی می‌گویند. این احسنت‌ها تا پایان سخنان رئیس جمهور ادامه دارد.

جانم به این صدا

سخنرانی رهبر انقلاب، آخرین بخش از مراسم تنفیذ است. ایشان تا بسم‌الله الرحمن الرحیم را می‌گویند، نماینده کنار دستی‌ام که حالا یک روحانی است آرام می‌گوید: «جانم به این صدا.» رهبری اشاراتی به رقابت‌های سالم کاندیداها در انتخابات و حتی پس از آن داشتند و آن را «تحسین برانگیز» خواندند. ایشان به تجربه ناکام دوران مشروطیت، شکست آن را ناشی از فقدان رهبری قدرتمند و مردمی دانستند و از ۱۵ سال آشفتگی در کشور گفتند که منجر به روی کار آمدن دیکتاتوری خشن رضاخان شد.

توصیه‌ها با یاد ۲ شهید

ایشان توصیه‌هایی نیز به دولت و عموم مردم در رابطه با «۱- بهره‌گیری دولت از ثروت‌ها و ظرفیت‌های پرشمار طبیعی و انسانی ایران، ۲- اهمیت کار جهادی به معنای کار خستگی‌ناپذیر و بی‌مزد و منت و با هدف انجام وظیفه انسانی و خدایی، ۳- تعامل ارکان کشور، ۴- رعایت اولویت‌ها، ۵- مدیریت فضای احساسات عمومی ناشی از انتخابات، ۶- اتکا به توان داخلی در کنار استفاده از ظرفیت‌های خارجی و ۷- فعال عمل کردن در سیاست خارجی» داشتند.

رهبری در ذیل توصیه دوم (کار جهادی) شهید رئیسی را اهل کار جهادی دانستند: «واقعا شب و روز نمی‌شناخت؛ واقعا دنبال آفرین و احسنت برای این همه کاری که می‌کرد نبود؛ این را ما از نزدیک دیدیم، حس کردیم. به معنای واقعی کلمه تلاش می‌کرد، کار می‌کرد، هر آنچه از دستش برمی‌آمد انجام می‌داد، خیلی‌ها هم نمی‌فهمیدند؛ یعنی کارهایی نبود که جلوی چشم مردم باشد، ولی کار می‌کرد.» ایشان از تقابل‌هایی که هنوز نشانه‌های آن در شبکه‌های اجتماعی پررنگ است نیز اطلاع دارند. از همین رو در ذیل مدیریت فضای احساسات عمومی پس از انتخابات، خطاب به آحاد مردم، فعالان سیاسی و اجتماعی تاکید کردند که «نباید به وسوسه‌های دوقطبی‌سازی اعتنا کرد و ترتیب اثر داد... نباید احساساتی که افراد را در دوره انتخابات وادار به مجادله با یکدیگر می‌کرد ادامه پیدا کند؛ نگذارید ادامه پیدا کند.»

آیت‌الله خامنه‌ای، در ذیل سیاست خارجی از شهید حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه کشورمان نیز یادی کردند. ایشان با تاکید بر اینکه دولت سیزدهم تلاش خوبی داشت تا در هر حادثه‌ای موضع صریح، روشن و با قوت داشته باشد، شهید خدمت امیرعبداللهیان را «دیپلمات» و «مذاکره‌کننده خیلی خوبی» خواندند: «بنده از نزدیک کارهای ایشان را می‌دیدم؛ خوب حرکت می‌کرد، خوب کار می‌کرد. این فعالیت و تلاش ان‌شاءالله بایستی ادامه پیدا کند.» ایشان در موضوع سیاست خارجی اولویت را در مرحله نخست همسایگان و کشورهای آسیا و آفریقا و همچنین کشورهایی خواندند که در برابر فشارهای غرب از ایران حمایت کردند و از دولت خواستند که باید قدرشناسی کرد و با این کشورها ارتباط داشت.

رهبر انقلاب در بخش آخر سخنان‌شان به موضوع غزه اشاره کردند و رژیم صهیونیستی را نه یک دولت که یک «باند جنایتکار» خواندند. ایشان اقدام کنگره آمریکا را در نشستن پای صحبت‌های نتانیاهو به عنوان یک جنایتکار را لکه ننگی بزرگ خواندند و خواستار آن شدند که «دنیا درباره حادثه غزه تصمیم جدی بگیرد و دولت‌ها، ملت‌ها و شخصیت‌های سیاسی و فکری، در عرصه‌های مختلف کاری انجام دهند.» رهبر انقلاب در پایان سخنانشان ضمن درخواست علو درجات از خداوند متعال برای روح مطهر امام بزرگوار، ارواح مطهر شهیدان، روح شهید سلیمانی، روح شهید رئیسی و همراهان‌شان، از خداوند خواست «ما را هم به کاروان شهیدان ملحق کند.»

با پایان سخنان رهبر انقلاب، عملا مراسم تنفیذ به پایان رسید. پس از پایان مراسم، تازه گفت‌وگوهای دو یا چند نفره حضار که عمدتا مقامات سیاسی، نظامی و قضایی و همچنین خانواده شهدا و شهدای پرواز اردیبهشت بودند، در حسینیه گل انداخت. ساعت ۱۱:۴۰ در بیرون حسینیه هوا به شدت گرم است. علی باقری با علی لاریجانی مشغول گفت‌وگوست. در داخل حسینیه هم لاریجانی دقایقی با سعید جلیلی در حال گفت‌وگو بود. روبه‌روی در ورودی حسینیه، بنر بزرگی نصب شده که تصویر دیوار حائل رژیم صهیونیستی است. در میانه دیوار در بزرگی است که یک لنگه آن از جا کنده شده و تصویری از قدس نمایان شده است. کنار در و روی دیوار بتنی، تصویری از حاج قاسم سلیمانی کشیده شده و بالای آن عبارت «خیبر خیبر یا صهیون» نوشته شده است.

سردر بیرونی حسینیه امام خمینی(ره)، آیه «وَاعتَصِموا بِحَبلِ اللهِ جَمیعًا وَلاتَفَرَّقوا» (همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید) خودنمایی می‌کند. امروز ۷ مرداد ۱۴۰۳، نهمین رئیس جمهور ایران نیز در یک حسینیه تنفیذ شد. خداوند ما را از این حسینیه جدا نکند.

پی‌نوشت

۱- صحیفهٔ امام، جلد ۱۳، صفحه ۳۲۷

آمریکا به جان آسیا آتش می‌اندازد؟

تجویز هسته‌ای شدن کره و ژاپن از سوی آمریکا

سجاد عطازاده
مترجم

آمی جی نلسون (پژوهشگر موسسه بروکینگز و دستیار استاد در دانشگاه جورج تاون) و آندرو یئو (پژوهشگر ارشد موسسه بروکینگز و استاد علوم سیاسی در دانشگاه کاتولیک آمریکا) در مقاله «حرکت هسته‌ای خطرناک چین، برای تعدیل جاه‌طلبی‌های پکن، واشنگتن باید تهدید به اشتراک‌گذاری سلاح‌های هسته‌ای خود با ژاپن و کره‌جنوبی کند» که در وب‌سایت فارن افرز منتشر شده است، به طرح این گزاره پرداخته‌اند که واشنگتن برای ممانعت از گسترش هسته‌ای شدن چین، باید تهدید کند به تسلیح هسته‌ای کره و ژاپن خواهد پرداخت؛ گزاره‌ای که ضمن آشکار کردن استانداردهای دوگانه غربی‌ها در زمینه تسلیحات هسته‌ای، نگاه ابزاری آنها به متحدان خود را نیز روشن می‌سازد.

از دهه ۱۹۹۰، پکن دعوت واشنگتن برای شرکت در مذاکرات کنترل تسلیحات هسته‌ای را رد کرده است. درعوض این کشور زرادخانه خود را گسترش داده و مدرن‌سازی کرده است؛ تخمین زده می‌شود که ۵۰۰ کلاهک هسته‌ای چین تا سال ۲۰۳۰ دو برابر خواهد شد. پیشرفت‌های چین همراه با کره‌شمالی پیامدهای ثانویه‌ای در منطقه داشته است. مثلا با وجود تضمین‌های امنیتی ایالات‌متحده، اکثریت مردم کره‌جنوبی اکنون خواستار آن هستند تا کشورشان تسلیحات هسته‌ای خود را داشته باشد؛ بیزاری دیرینه ژاپن نیز از این بمب در حال از بین رفتن است. آسیا اکنون در مسیری قرار دارد که شاهد مسابقه تسلیحاتی بی‌ثبات‌کننده در سال‌های آینده خواهد بود. اما اگر واشنگتن به سرعت عمل کند، می‌تواند مانع این تحولات نگران‌کننده شود. در فوریه، پکن از کشورهای هسته‌ای جهان دعوت کرد تا درباره معاهده «نه به استفاده اول از تسلیحات هسته‌ای» با یکدیگر مذاکره کنند (ایالات‌متحده که بیش از ۱۰ برابر چین تسلیحات هسته‌ای دارد، گزینه استفاده اول را حفظ می‌کند). ایالات‌متحده پس از این همه پیشرفتِ رد شده، باید از پیشنهاد چین برای گفت‌وگو استقبال کند. اگر پکن آماده مذاکره با حسن نیت باشد، واشنگتن باید به همان شکل واکنش نشان دهد و برای یک توافق کنترل تسلیحات گسترده‌تر فشار بیاورد. واشنگتن باید وارد جریان دیپلماسی سخت و حتی اجباری شود و روشن کند که پکن با انتخابی جدی روبه‌رو است؛ مشارکت معنادار در مذاکرات اساسی در زمینه کنترل تسلیحات یا روبه‌رو شدن با ایجاد ساختار عظیم هسته‌ای با حمایت ایالات‌متحده در حیاط خلوت خود. اگر رهبران چین از انجام این کار خودداری کنند، واشنگتن می‌تواند با سئول و توکیو درباره ترتیبات اشتراک هسته‌ای گفت‌وگو کند و برای به‌روزرسانی و گسترش زرادخانه خود سریع‌تر عمل کرده و در صنعت دفاعی تسلیحات هسته‌ای خود سرمایه‌گذاری کند.

برخی از کارشناسان ممکن است به این رویکرد سختگیرانه اعتراض کرده و استدلال کنند این راهکار به گسترش سلاح‌های هسته‌ای خواهد انجامید؛ اما سابقه آموزنده در زمینه استفاده واشنگتن از اجبار برای آوردن کشورها به میز مذاکره کنترل تسلیحات وجود دارد. در سال ۱۹۸۳ واشنگتن موشک‌های پرشینگ ۲ مسلح به کلاهک هسته‌ای را در آلمان غربی و موشک‌های کروز را در بلژیک، ایتالیا و هلند مستقر کرد. این اقدام تهاجمی به جای تشدید تنش، مسکو را مجبور کرد وارد دیپلماسی شود که نتیجه آن، انعقاد پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد در سال ۱۹۸۷ بود که تمامی تسلیحات میان‌برد را از اروپا حذف کرد. اکنون واشنگتن باید دفاع موشکی خود و متحدانش را تقویت کند، استقرار زیردریایی‌های مجهز به سلاح هسته‌ای و بمب‌افکن‌های هسته‌ای را افزایش دهد و ترتیبات اشتراک هسته‌ای را با سئول و توکیو دنبال کند. همان‌طور که چنین اقداماتی در گذشته اتحاد جماهیر شوروی را به پای میز مذاکره سوق داد، امروز نیز می‌تواند چین را برای مذاکره متقاعد کند.

چیزی که دیگر غیرقابل تصور نیست

رویکرد قهرآمیز در قبال چین مستلزم حمایت کره‌جنوبی و ژاپن است. به‌طور خاص، عموم مردم کره‌جنوبی مایل هستند تا کشورشان فراتر از تضمین‌های ایالات‌متحده در حوزه بازدارندگی هسته‌ای حرکت کنند. دو نظرسنجی ملی که در سال جاری انجام شده است نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد از مردم کره‌جنوبی معتقد هستند کشورشان به زرادخانه هسته‌ای متعلق به خود نیاز دارد. اگرچه نخبگان کره‌جنوبی معمولا مخالف این راهکار هستند، اما گزارش اخیر مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی نشان می‌دهد ۶۱ درصد از دانشگاهیان، کارشناسان، تجار، سیاستمداران و مقامات مورد مطالعه از گزینه اشتراک هسته‌ای با ایالات‌متحده «در صورت لزوم» حمایت می‌کنند. چنین رویکرد میانه‌ای باعث خواهد شد واشنگتن تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی خود را در کره‌جنوبی مستقر کند؛ کره‌ای که از سال ۱۹۹۱، زمانی که دولت جورج اچ دبلیو بوش تمام تسلیحات هسته‌ای ایالات‌متحده را به‌عنوان بخشی از یک کاهش گسترده تسلیحات هسته‌ای در سراسر جهان از این کشور خارج کرد، هسته‌ای نبوده است. زمانی در ژاپن، با توجه به موقعیت آن به عنوان تنها کشوری که در تاریخ مورد حمله اتمی قرار گرفته است، ایده ساخت تسلیحات هسته‌ای غیرقابل تصور بود؛ اما در سال ۲۰۰۲ شینزو آبه که آن زمان یکی از اعضای مجلس نمایندگان ژاپن بود و هنوز به منصب نخست‌وزیری نرسیده بود، اظهار داشت که «داشتن بمب هسته‌ای تا زمانی که کوچک باشند، مطابق قانون اساسی است.» اگرچه نظرسنجی‌ای در سال ۲۰۲۰ نشان داد ۷۵ درصد از مردم ژاپن همچنان از ممنوعیت جهانی سلاح‌های هسته‌ای حمایت می‌کنند، اما برخی از رهبران حزب لیبرال دموکرات (LDP) موضع سهل‌گیرانه‌تری در این زمینه اتخاذ کرده‌اند. پس از تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، آبه اعلام داشت ژاپن باید انعقاد توافقنامه مشترک هسته‌ای به سبک ناتو با ایالات‌متحده را بررسی کند. نظرسنجی هم که در مارس ۲۰۲۲ انجام شده است، نشان می‌دهد ۶۳ درصد از ژاپنی‌ها پذیرای بحث درباره گزینه اشتراک هسته‌ای هستند. حتی هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه سابق ایالات‌متحده، درباره جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ژاپن کمتر محتاط بود و در سال ۲۰۲۳ اظهار داشت ژاپن «به سمت تبدیل شدن قدرت هسته‌ای در عرض پنج سال پیش می‌رود.»

در حال حاضر توکیو به حمایت از عدم اشاعه، به‌ویژه تحت رهبری نخست‌وزیر فومیو کیشیدا که یکی از اعضای حزب لیبرال دموکرات است اما ریشه‌های خانوادگی‌اش به هیروشیما گره خورده است، ادامه می‌دهد؛ اما آینده سیاسی کیشیدا ناپایدار است و سایر اعضای حزب لیبرال دموکرات که ممکن است جایگزین او شوند، نسبت به سلاح‌های هسته‌ای پذیرش بیشتری دارند. گسترش توان هسته‌ای چین و تهدیدات هسته‌ای کره‌شمالی ممکن است رهبران ژاپنی را به‌زودی وادار کند تا دیدگاه‌های هسته‌ای مشابه رهبران کره‌جنوبی اتخاذ کنند. در سال‌های اخیر برخی از مقامات ژاپنی حتی سوالاتی را درباره کافی بودن چتر هسته‌ای ایالات‌متحده مطرح کرده و در مقابل پیشنهاد کرده‌اند ژاپن باید به فکر توسعه زرادخانه هسته‌ای خود باشد. نوبوکاتسو کانها را که در دوران آبه دستیار وزیر کابینه بود، در سال ۲۰۲۱ گفت: «ما به آرمان‌های عدم اشاعه احترام می‌گذاریم، مشروط بر اینکه تضمین هسته‌ای ایالات‌متحده کامل باشد. این نگرانی بسیار برای ماست.»

برای تنش‌زدایی، تنش‌زایی کنید

تاریخچه کنترل تسلیحات ارزش سیاست‌های قهرآمیز را در جلب موافقت دولت‌ها با مذاکرات نشان می‌دهد. در خلال مذاکرات سالت ۱، دور اول گفت‌وگوهای محدودسازی تسلیحات راهبردی از اواخر سال ۱۹۶۹ تا تابستان ۱۹۷۲، ایالات‌متحده با ایده افزودن کلاهک‌های اضافی به موشک‌ها بازی کرد؛ ایده‌ای که شوروی را متقاعد ساخت در میز مذاکره بماند. ابتکار دفاع استراتژیک رئیس جمهور ایالات‌متحده رونالد ریگان (پروژه ساخت سامانه دفاع موشکی در فضا) میخائیل گورباچف، همتای شورویایی او را واداشت تا آمریکایی‌ها را به شرکت در مجموعه‌ای از اجلاس‌ها دعوت کند. در مواجهه با چنین تحریکاتی، مسکو مجبور بود بین تسریع در مسابقه تسلیحاتی و پیگیری کنترل تسلیحات یکی را انتخاب کند. در این موارد قمار واشنگتن نتیجه داد و مسکو وادار به عقب‌نشینی شد.

اجبار امروز چگونه می‌تواند کارکند؟ اگرچه سیاست فعلی ایالات‌متحده ممانعت از اشاعه هسته‌ای است، اما واشنگتن می‌تواند از تهدید تسلیح کره‌جنوبی و ژاپن برای آوردن چین به میز مذاکره استفاده کند. اگر پکن گفت‌وگو را رد کند، شاهد خطر تهدید هسته‌ای بسیار بزرگ‌تر در حیاط خلوت خود خواهد بود. ژاپن و کره‌جنوبی هسته‌ای احتمال ادراک اشتباه، محاسبه اشتباه و حادثه را بالا برده و خطر فاجعه هسته‌ای را افزایش می‌دهد. در مواجهه با چنین واقعیت خطرناکی، پکن ممکن است زیر فشار ایالات‌متحده سر خم کند و وارد مذاکرات جدی برای کنترل تسلیحات شود. البته این راهبرد خالی از ریسک نیست؛ اما تلاش‌های کم خطر تاکنون قادر نبوده است جاه‌طلبی‌های پکن را تعدیل کند؛ بنابراین نیازمند رویکرد جدیدی برای کنترل تسلیحات هستیم. حتی تصورات مربوط به آینده‌های هسته‌ای ویران شهری [ویران شهر یا دیستوپیا در برابر آرمان‌شهر یا یوتوپیا قرار دارد] در برانگیختن رهبران برای مشارکت در کنترل تسلیحات در گذشته نقش داشته است (کما اینکه ریگان تا زمان تماشای فیلم The Day After که یک هولوکاست هسته‌ای در غرب میانه آمریکا را به تصویر می‌کشد، علاقه چندانی به کنترل تسلیحات نشان نمی‌داد). طراحی یک آینده هسته‌ای که دارای هزینه‌های امنیتی شدید برای پکن باشد درنهایت ممکن است توجه نخبگان چینی را به خود جلب کند؛ چیزی که برای چندین دهه از مقامات آمریکایی طفره رفته بود و پکن را برای گفت‌وگوهای جدی به پای میز مذاکره کشاند. اگر چنین رویکردی کارساز باشد، واشنگتن باید به‌وضوح به پکن اطلاع دهد نوسازی هسته‌ای چین، همراه با برنامه هسته‌ای توسعه‌یافته کره‌شمالی، لزوما اشاعه هسته‌ای منطقه‌ای به رهبری ایالات‌متحده را تسریع خواهد کرد. برای این منظور، واشنگتن باید به سئول و توکیو اطمینان داده درصورتی که پکن به گسترش تسلیحات هسته‌ای خود ادامه دهد، واشنگتن آماده همکاری با آنها در حوزه گزینه‌های اشتراک هسته‌ای است. این اتفاق به پکن نشان خواهد داد در نبود مذاکرات هسته‌ای اساسی، درخواست‌های جناح راست دستگاه سیاست خارجی ایالات‌متحده برای گسترش زرادخانه هسته‌ای، واشنگتن برنده خواهد شد. آینده‌های هسته‌ای ویرانشهرانه در حال حاضر نیز مطرح است؛ دعوت فوریه پکن، چهار ماه پس از دریافت گزارش سالانه «کمیسیون وضعیت راهبردی ایالات‌متحده» کنگره که به این نهاد درباره سیاست‌های هسته‌ای مشاوره می‌دهد، در این گزارش بدترین سناریو مبنی بر تبانی روسیه و چین برای جنگی هسته‌ای در سال ۲۰۳۵ تصویر شده بود. توصیه‌های این کمیسیون برای تقویت هسته‌ای در پاسخ به سناریوی مطرح شده بدون شک از سوی رهبران چین به‌عنوان یک تهدید تلقی شد. روشن است که دولت کنونی ایالات‌متحده ترجیح می‌دهد به تعهدات ایالات‌متحده در معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای که کشورهای غیرهسته‌ای را از توسعه زرادخانه هسته‌ای منع می‌کند، پایبند باشد و موقعیت بازدارندگی خود را با سلاح‌های هسته‌ای کمتر حفظ کند؛ اما اگر پکن به توسعه زرادخانه خود ادامه دهد، واشنگتن چاره‌ای جز کنار گذاشتن این تعهدات نخواهد داشت. طنز ماجرا آنجاست که شاید بهترین فرصت برای حفظ این معاهده تقویت توان هسته‌ای در گام اول باشد.

عمل سخت و بدون ملاحظه

واشنگتن با تاکید بر پیامدهایی که در صورت ادامه گسترش زرادخانه هسته‌ای چین در انتظار این کشور است، می‌تواند رهبران پکن را متقاعد کند برای گفت‌وگوهای گسترده‌تر به پای میز مذاکره بیایند. اگر پکن با مذاکرات جدی موافقت کند، باید حسن نیت خود را با اجازه دادن به وجود شفافیت بیشتر درباره زرادخانه هسته‌ای خود و وضعیت و برنامه‌های آن نشان دهد. چنین ترتیبی می‌تواند شامل روسیه و همچنین فرانسه و بریتانیا نیز شود. در مقابل، واشنگتن ممکن است به پکن تعهد دهد به محدود کردن اشاعه تسلیحات در شرق آسیا کمک کند. برای مثال با تلاش برای متقاعد کردن متحدان ایالات‌متحده برای پرهیز از توسعه قابلیت‌های هسته‌ای خود؛ اما برای این کار واشنگتن باید به نشان دادن تعهد قاطع خود به گسترش بازدارندگی از طریق مکانیسم‌هایی مانند «گروه مشورتی هسته‌ای» (مجمعی برای بحث درباره مسائل هسته‌ای با کره‌جنوبی) ادامه دهد. درنهایت هدف ایالات‌متحده باید این باشد که رقابت با چین را به‌عنوان تلاش دارای حاصل جمع بالقوه مثبت، باز چهارچوب‌بندی کند؛ وضعیتی که با همکاری دو کشور برای حمایت از منع اش